





The University of Tehran Press

The Right to Access Information in Investment Arbitration: a Conflict between Confidentiality and Transparency

Nima Nasrollahi Shahri¹  | Leila Ebrahimi²

1. Corresponding Author; Teaching and Research Fellow, University of Paris 1 Pantheon-Sorbonne, Paris, France. Email: nima.nasrollahi-shahri@univ-paris1.fr
2. MA. in International Trade Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran, MA student of European Comparative Law, Faculty of Law, University of Sapienza, Rome, Italy. Email: leila.ebrahimi.779@gmail.com, ebrahimi.2115554@studenti.uniroma1.it

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 1181-1204</p> <p>Received: 2021/10/08</p> <p>Received in Revised form: 2022/02/25</p> <p>Accepted: 2022/09/12</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <p>Keywords: <i>Information, ICSID, transparency, investment arbitration, free access, human rights.</i></p>	<p>While confidentiality is often cited as an advantage of arbitration over litigation, state involvement in investment arbitrations calls for a higher degree of transparency. Thus, confidentiality practices in investment arbitration have come under harsh criticism. Such criticism has to do, at least in part, with developments in the field of human rights law culminating in the recognition of the right to access information as a human right along with a duty of states to divulge information by regional human rights courts. This criticism has already brought about a change in investment arbitration. ICSID amended its rules of procedure in 2006 and more recently in 2022. UNCITRAL also annexed a set of rules regarding transparency in treaty-based arbitration to its arbitration rules. Finally, in 2015, United Nations Convention on Transparency in Treaty-based Arbitration was concluded in an effort to maximize transparency. This study deals with how transparency and confidentiality interact where they appear to be most conflicting, that is to say in international investment arbitration.</p>
How To Cite	Nasrollahi Shahri, Nima; Ebrahimi, Leila (2024). The Right to Access Information in Investment Arbitration: a Conflict between Confidentiality and Transparency. <i>Public Law Studies Quarterly</i> 54 (2), 1181-1204. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.331170.2899
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.331170.2899
Publisher	The University of Tehran Press. 

**حق دسترسی آزادانه به اطلاعات در داوری سرمایه‌گذاری؛****تراحم بین شفافیت و محرمانگی**نیما نصرالهی شهری^۱ | لیلا ابراهیمی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ محقق و مدرس دانشگاه پاریس ۱ پانتئون-سوربن. رایانامه: nima.nasrollahi-shahri@univ-paris1.fr

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، دانشجوی کارشناسی ارشد (حقوق تطبیقی اتحادیه اروپا)، دانشگاه ساینز ر.م. رایانامه: ebrahimi.2115554@studenti.uniroma1.it

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۱۸۱-۱۲۰۴</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اطلاعات، ایکس‌اید، حقوق بشر، داوری سرمایه‌گذاری، دسترسی آزادانه، شفافیت.</p>	<p>اگرچه محرمانگی از جمله مزیت‌های داوری نسبت به رسیدگی قضایی است، داوری سرمایه‌گذاری به علت حضور دولت‌ها نیازمند شفافیت بیشتری است. از این رو انتقادهای زیادی به محرمانگی داوری سرمایه‌گذاری وارد شده است. بسیاری از این انتقادهای ریشه در حقوق بشر و به رسمیت شناختن حق دسترسی آزادانه به اطلاعات توسط مردم و تعهد دولت‌ها به افشای اسناد توسط دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشری دارد. انتقادهای وارده تاکنون موجب ایجاد تغییراتی در داوری سرمایه‌گذاری شده است. تغییر قواعد داوری ایکس‌اید در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۲۲ و همچنین انتشار قواعد انسیترال یکی از آخرین اقدامات در زمینه شفافیت در داوری معاهده‌ای میزان دسترسی عموم به آرای داوری را افزایش داده است. آخرین اقدام صورت‌گرفته در این زمینه، تصویب کنوانسیون شفافیت در داوری معاهده‌ای در سال ۲۰۱۵، معروف به کنوانسیون موریتیوس است. دو اصل شفافیت و محرمانگی از بنیادی‌ترین پایه‌های داوری محسوب می‌شوند. این دو اصل ارتباطی تنگاتنگی با یکدیگر دارند و گاهی در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند. در پرونده‌های مربوط به داوری سرمایه‌گذاری که نتیجه اغلب بر منافع عمومی تأثیرگذار است، این تضاد به اوج خود می‌رسد. در این حالت، نحوه ایجاد تعادل و تعامل بین این مفاهیم، از موضوعات مهمی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.</p>
استناد	<p>نصرالهی شهری، نیما؛ ابراهیمی، لیلا (۱۴۰۳). حق دسترسی آزادانه به اطلاعات در داوری سرمایه‌گذاری؛ تراحم بین شفافیت و محرمانگی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۴ (۲)، ۱۱۸۱-۱۲۰۴.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.331170.2899</p>
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.331170.2899
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

با پیشرفت و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان مهم‌ترین روش تأمین مالی پروژه‌های عمرانی، گسترش معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و به‌تبع آن ایجاد اختلافات و تشکیل محاکم داوری، داوری سرمایه‌گذاری توجه زیادی را به خود جلب کرده است. حقوق سرمایه‌گذاری خارجی مجموعه‌ای است از قواعد حقوق بین‌الملل عام، استانداردهای کلی حقوق بین‌الملل اقتصادی و قواعدی که به‌طور مشخص به موضوع سرمایه‌گذاری خارجی مربوط است (دولزر، شروتر، ۲۰۰۸: ۲۷). ماهیت منحصر به فرد داوری سرمایه‌گذاری پرسش‌ها و پیچیدگی‌های بدیعی را ایجاد می‌کند که در سایر حیطه‌های حقوق بین‌الملل موضوعیت ندارند. در حقیقت، داوری سرمایه‌گذاری به‌واسطه حضور دولت به‌عنوان یک طرف اختلاف و حضور یک شخص خصوصی در طرف دیگر، حلقه واسط بین داوری بین‌المللی بین دول و داوری تجاری بین‌المللی بین اشخاص خصوصی به‌حساب می‌آید.

در سال‌های اخیر، داوری سرمایه‌گذاری مورد حمله و انتقادهای فراوانی قرار گرفته است. ریشه اصلی این انتقادات شباهت این نهاد و الگوبرداری آن از داوری تجاری است. داوری تجاری به‌علت تقدم زمانی به‌عنوان الگوی شکل‌گیری داوری سرمایه‌گذاری استفاده شده است (Magraw, 2001: 356). حال آنکه همان مؤلفه‌هایی که موجب جذابیت داوری تجاری بین‌المللی است، منشأ انتقادهای وارده به ساختار محاکم و قواعد داوری سرمایه‌گذاری و در رأس آن دیوان داوری اکسید بوده است.

محرمانگی یکی از اصول و مزیت‌های انکارناپذیر داوری نسبت به حل‌وفصل قضایی اختلافات و توسل به دادگاه‌های ملی است. اطمینان خاطر از عدم افشای اسرار تجاری، از مهم‌ترین دلایلی است که شرکت‌های تجاری را به انتخاب این روش ترغیب می‌کند. اصل محرمانگی با توجه به قراردادی بودن ماهیت داوری و ابتدای آن بر تراضی طرفین بسیار منطقی و قابل درک است. این مسئله البته در مورد داوری سرمایه‌گذاری با این میزان از قطعیت صدق نمی‌کند. تفاوت بنیادین داوری سرمایه‌گذاری با داوری تجاری، مشارکت دولت‌ها در داوری سرمایه‌گذاری و به‌تبع آن تأثیرپذیری ملت‌ها از این فرایند است. تأثیر آرای داوری سرمایه‌گذاری محدود به شرکت‌های تجاری نیست، بلکه می‌تواند به‌راحتی منافع ملت میزبان را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، شفاف نبودن داوری سرمایه‌گذاری از عمده علل مواجهه این نظام با بحران مشروعیت است^۱ (Weiler, 2004: 137).

آزادی اطلاعات^۲ اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده به‌کار برده شد و به معنای آزادی

۱. در سال‌های اخیر، انتقادهای زیادی به نظام داوری سرمایه‌گذاری به‌خصوص دیوان داوری ایکسید مطرح شده و با خروج سه کشور آمریکای لاتین از معاهده ایکسید در سال‌های اخیر نظام ایکسید بیش از پیش با بحران مشروعیت مواجه شده است.

2. Freedom of Information

دسترسی افراد به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۴). دسترسی نداشتن به اطلاعات مربوط به جریان داورى می‌تواند در تضاد با حقوق ملت‌ها در دسترسی آزادانه به اطلاعات باشد؛ به‌خصوص اینکه اطلاعات مربوط به جریان داورى می‌تواند بر زندگی آنها مؤثر افتد و بر توانایی آنها بر استیفای حقوق شهروندی‌شان تأثیرگذار باشد. در این زمینه بین دو اصل شفافیت و محرمانگی داورى که لازمه کارایی داورى است، تراحم وجود دارد. ضرورت وجود شفافیت در داورى سرمایه‌گذاری ناشی از حق مردم دولت میزبان بر دسترسی آزادانه به اطلاعات است. حق دسترسی آزادانه به اطلاعات در سال‌های اخیر در سطح داخلی^۱ و بین‌المللی به‌عنوان حق بشری مورد پذیرش قرار گرفته است. به‌عبارت دیگر محرمانگی فرایند داورى و دسترسی نداشتن به آن توسط تابعان دولت میزبان می‌تواند به‌گونه‌ای نقض حقوق بشر شهروندان در دسترسی آزادانه آنها به اطلاعات به‌حساب آید. این در حالی است که حقوق بین‌الملل عمومی و به‌تبع آن حقوق بشر، از منابع حقوق سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود و دیوان داورى اکسید در رسیدگی به پرونده‌های خود ملزم به رعایت آنهاست (عسگری، ۱۳۹۱: ۳۴۸).

این پژوهش به دو پرسش اصلی در خصوص وجود حق بشری بر دسترسی آزادانه به اطلاعات و به رسمیت شناخته شدن این حق در داورى سرمایه‌گذاری می‌پردازد. بخش اول در راستای بررسی وجود حق بشری مبنی بر دسترسی به اطلاعات، به بررسی و جست‌وجو در اسناد حقوق بشر می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که مبانی نظری این حق در اسناد حقوق بشری کدام است؟ سپس در بخش دوم ضمن تبیین خصیصه محرمانگی داورى، وضعیت قواعد داورى دیوان ایکسید و قواعد داورى موردی آنسیترال از لحاظ میزان شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد. در پایان این پژوهش می‌کوشیم پس از تشریح تراحم موجود میان اصل دسترسی آزادانه به اطلاعات به‌عنوان یک حق بشری و اصل محرمانگی به‌عنوان یکی از پایه‌های بنیادین داورى، به نحوه ایجاد تعادل بین این دو و ارائه راهکار در این خصوص بپردازیم.

پرونده‌های علمی و مطالعات حقوقی
رتال جامع علوم انسانی

۱. برای مثال تعدادی از کشورهای اروپایی، حق آزادی دسترسی به اطلاعات را وارد قانون اساسی خود کرده‌اند. ماده ۱۱۰ قانون اساسی هلند مقرر می‌دارد که پارلمان باید در مورد «دولت باز» قانونگذاری کند. ماده ۳۲ قانون اساسی بلژیک حق دسترسی آزادانه به تمام اسناد اداری را مطرح می‌کند. در حقوق اروپایی نیز حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به رسمیت شناخته شده است (منشور حقوق اساسی اروپایی، ۲۰۰۰). مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۸۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را به تصویب رساند که این قانون مشتمل بر ۲۳ ماده و ۷ تبصره است.

همچنین ر.ک:

Vluegels, Roger (2011), "Overview of all FOI Laws", *Fringe Special*; Ackerman, John M., Sandoval-Ballesteros, Irma E (2006), "The Global Explosion of Freedom of Information Laws", *Administrative Law Review*, 58(1), 85-130.

۲. حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان حق بشری

حق دسترسی به اطلاعات اولین بار در سوئد مطرح شد (Jain, 2012: 510). به موجب قانون آزادی مطبوعات که در سال ۱۷۷۶ در این کشور تصویب شد، هرگونه سند مربوط به دولت سوئد، سندی عمومی تلقی می‌شد که در صورت درخواست، شهروندان حق دسترسی به آن را داشتند (Levin, 2009: 38-39). تا پیش از سال ۲۰۰۹، هیچ سند حقوق بشری که به طور مستقیم شامل بر حق دسترسی آزادانه به اطلاعات باشد، نه در سطح جهانی و نه در سطح منطقه‌ای وجود نداشت. در سال ۲۰۰۹، اولین معاهده بین‌المللی منطقه‌ای در این زمینه یعنی معاهده دسترسی به اسناد رسمی^۱ به ابتکار شورای اروپا تنظیم و در سال ۲۰۲۰ لازم‌الاجرا شد. این اولین سند بین‌المللی الزام‌آوری است که حق دسترسی آزادانه به اسناد رسمی را به روشنی به رسمیت می‌شناسد؛ اگرچه هنوز زود است که حق دسترسی آزادانه به اطلاعات را اصلی مسلم در حقوق بشر جهانی به حساب آورد، این حق تا حد زیادی در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر و در رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر انعکاس یافته است. مراجع منطقه‌ای حقوق بشری، بارها بر حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان حق بشری صحه گذاشته و تأکید ورزیده‌اند.

از آنجا که حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به طور مستقل در اسناد حقوق بین‌المللی مورد اشعار قرار نگرفته، به طور معمول این حق به عنوان بخشی از حق آزادی بیان صورت‌بندی شده است. البته در برخی موارد مراجع حقوق بشری مبنای استدلال خود را بر سایر حقوق از جمله حق دسترسی به محاکمه منصفانه، حقوق اجتماعی اقتصادی، حق مشارکت در امور عمومی و یا حق احترام به زندگی خصوصی بنا نهاده‌اند (Hins & Voorhoof, 2007: 119). شهروندان برای اینکه امکان بهره‌مندی از حق آزادی بیان داشته باشند، می‌بایست از دسترسی کافی به اطلاعات برخوردار باشند. از این رو این موضوع رابطه مستقیمی با دموکراسی دولت‌ها دارد (Vollenhoven, 2015: 2314). با این حال حق دسترسی به اطلاعات حتی مطلق نبوده و محدودیت‌هایی دارد. از جمله این محدودیت‌ها مواردی است که افشای اطلاعات به نقض حقوق اشخاص ثالث منجر می‌شود (Bishop, 2011: 78-79). در واقع تصمیم‌گیری در این خصوص با این معیار سنجیده می‌شود که آیا افشای اطلاعات به خدشه‌دار شدن منافع مشروع افراد منجر می‌شود؟ آیا افشای اطلاعات و نقض منافع افراد در راستای منافع عمومی جامعه است یا خیر؟^۲

در این بخش ابتدا استانداردهای جهانی حقوق بشر و سپس معاهدات منطقه‌ای و رویه موجود در دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر بررسی و ارزیابی می‌شوند.

1. Council of Europe Convention on Access to Official Documents.

2. Harm and Public Interest Test, Available at: <https://www.right2info.org/exceptions-toaccess/harm-and-publicinterest-test> (last visited 02 September, 2021).

۱.۲. استانداردهای جهانی حقوق بشر

به موجب ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت] و حق جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظاتی مرزی است». بر اساس تفسیری موسع از این ماده و با عنایت به بخش دوم ماده، حق دسترسی آزاد به اطلاعات می‌تواند مصداقی از «حق دریافت اطلاعات» و در نتیجه حق آزادی بیان و عقیده باشد.

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به آزادی بیان اختصاص دارد. طبق این ماده، «۱. هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد؛ ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است؛ ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف، احترام به حقوق یا حیثیت دیگران. ب، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی». اگرچه ادبیات این ماده نشان‌دهنده به رسمیت شناختن حق افراد در تحصیل و اشاعه اطلاعات است، اما این ماده موجد تعهدی برای دولت مبنی بر افشای اطلاعات محرمانه نیست، بلکه بیشتر معطوف به حق فرد است.

در جولای ۲۰۱۱، کمیته حقوق بشر که وظیفه نظارت بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را بر عهده دارد در نظریه شماره ۱۳۴ خود حق آزادی دسترسی به اطلاعات را به رسمیت شناخت. کمیته حقوق بشر در تفسیر بند ۲ ماده ۱۹ و با عنایت به ماده ۲۵ میثاق^۲ در خصوص حق مشارکت در امور عمومی جامعه نتیجه می‌گیرد که حق بشری دسترسی آزادانه به اطلاعات از جمله قواعد حقوق بشر میثاق است. در نتیجه، دولت‌های متعهد ملزم‌اند از طریق قانونگذاری و یا سایر طرق، اطلاعات مربوط به منافع عمومی را در دسترس عموم قرار دهند.

1. General Comment No. 34, Human Rights Committee

۲. ماده ۲۵: «هر انسان عضو اجتماع (۸) حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیرمعقول:

الف) در اداره امور عمومی بالمباشره یا به‌واسطه نمایندگانی که آزاد انتخاب شوند شرکت نماید.

ب) در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین‌کننده بیان آزادانه اراده انتخاب‌کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.

ج) با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود.»

۲.۲. استانداردهای منطقه‌ای حقوق بشر

استانداردهای منطقه‌ای حقوق بشر و رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر در پذیرش تعهد دولت‌ها به ایجاد شفافیت از استانداردهای جهانی چند گام فراتر رفته است. این روند در دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر نمود بیشتری داشته است. رویه این دو دادگاه در سال‌های اخیر نشان‌دهنده ایجاد نقطه عطفی جدید در روند پذیرش وجود تعهد دولت‌ها به افشای اسناد محرمانه است.

۱.۲.۲. معاهده اروپایی حقوق بشر

حق دسترسی آزادانه به اطلاعات از سیاق نگارش ماده ۱۰ معاهده اروپایی حقوق بشر قابل استنباط است. ماده ۱۰ این معاهده بر حق آزادی بیان اشعار می‌دارد:

«۱. هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد. این ماده، مانع تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز به منظور انتشار اخبار یا فعالیت‌های بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود. ۲. اعمال این آزادی‌ها، از آنجاکه با خود وظایف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارند، ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشند که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرو یا حقوق سایرین، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت لازم و ضروری هستند».

دادگاه اروپایی حقوق بشر تا پیش از سال ۲۰۰۹ از به رسمیت شناختن حق دسترسی آزادانه به اطلاعات بر اساس ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خودداری می‌کرد.^۱ البته پیش از این، دیوان این حق را در زمینه مسائل محیط زیستی و بر اساس معاهده دسترسی آزادانه به اطلاعات معروف به کنوانسیون آراوس^۲ به رسمیت شناخته بود. در مقدمه این معاهده آمده است «هر فردی حق زندگی در محیطی که برای سلامت او کفایت می‌کند و همچنین وظیفه فردی و جمعی، برای حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و آیندگان را داراست» و اینکه «برای اعمال این حق و انجام این وظیفه باید فرد به اطلاعات لازم دسترسی داشته باشد». دیوان اروپایی حقوق بشر بر اساس این معاهده تعهد

۱. برای مثال در پرونده‌های زیر به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۷، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸ دیوان دسترسی آزادانه به اطلاعات را از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استنباط نکرد:

ECHR (1987), Leander v. Sweden; ECHR (1989), Gaskin v. The United Kingdom; ECHR (1998), Guerra v. Italy.

2. Convention on Access to Information. Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters ("Aarhus Convention").

دولت بر تأمین اطلاعات برای شهروندان خود در راستای حق آنها بر «حیات» و «خانواده» را به رسمیت شناخت. برای مثال در قضیه تاتار، دیوان به طور مشخص از تعهد دولت بر فاش کردن اطلاعات مربوط به خطرات محیط زیستی تأکید کرد (ECHR, Tatar: 113-118). حتی دیوان در قضیه اونریلدیز که مربوط به مرگ ناشی از انفجار گاز متان در یک مرکز دفع زباله غیرقانونی بود، فراتر رفت و اعلام کرد: «در مواردی که چنین خطرهایی وجود دارد، دسترسی عمومی به اطلاعات کامل و روشن، حق بنیادی و اساسی بشر محسوب می‌شود» (ECHR, Oneryildiz: 62). در قضیه بودایا که در خصوص تغییرات آب‌وهوایی و فروریختن سد آب در نتیجه آن است، دیوان به وظیفه ایجابی دولت بر تأمین اطلاعات اشاره کرد (ECHR, Budayeva: 132).

با وجود این مهم‌ترین رأی در خصوص پذیرش حق دسترسی آزادانه به اطلاعات قضیه تارساسگ است که در آن دیوان اجتناب دادگاه عالی بوداپست از در اختیار شاکی قرار دادن اطلاعات را به روشنی مصداق نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تشخیص داد و به این ترتیب، تفسیری جدید و موسعی از این ماده ارائه کرد. این پرونده در خصوص شکایت‌نامه‌ای بود که توسط یکی از اعضای پارلمان و چند تن دیگر در خصوص تغییرات قانون کیفری مجارستان در زمینه جرائم مربوط به مواد مخدر در سال ۲۰۰۴ تسلیم دادگاه قانون اساسی این کشور شد. اتحادیه آزادی‌های مدنی مجارستان (تارساسگ) که سازمانی غیردولتی و فعال در زمینه جرائم مواد مخدر است، با استناد به قانون حمایت از داده‌ها مجارستان مصوب سال ۱۹۹۲، درخواست افشای شکایت‌نامه مذکور را از دادگاه قانون اساسی کرد. پس از رد این درخواست، تارساسگ به دادگاه منطقه‌ای بوداپست مراجعه کرد. دادگاه بدوی این مسئله را که اطلاعات درخواستی داده محسوب می‌شوند نپذیرفت و دادگاه تجدید نظر اگرچه اذعان کرد که بعضی از اطلاعات مندرج در نامه ممکن است داده به حساب آیند، با این استدلال که این اطلاعات شخصی‌اند، از تسلیم آن سرباز زد. در سال ۲۰۰۵، تارساسگ دادخواست خود را با ادعای نقض ماده ۱۰ معاهده اروپایی حقوق بشر تسلیم دادگاه اروپایی حقوق بشر کرد. دادگاه پس از بررسی این ادعا نتیجه گرفت که حق خواهان بر دسترسی به اطلاعات که جنبه عمومی دارد نقض شده است. سپس دیوان بررسی کرد که آیا این نقض حق مشروع و ضروری بوده است یا خیر. در این زمینه دیوان بررسی کرد که آیا چنین محدودیتی در یک جامعه دموکراتیک ضروری بوده است یا خیر. دیوان این گونه نتیجه گرفت که از آنجایی که اطلاعات در دسترس و آماده بوده، «دولت وظیفه داشته است که مانع از دسترسی خواهان به این اطلاعات نشود» (ECHR, Társaság: 36). همچنین دیوان اذعان می‌کند که نظر یک مقام سیاسی در کشور در مورد یک مسئله عمومی نمی‌تواند مصداق یک مسئله شخصی محسوب شود.

این رأی دیوان اروپایی حقوق بشر نشان دهنده تمایل این دیوان به شناسایی و پذیرش حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان یک حق بشری است. همان طور که دیوان در پاراگراف ۳۷ رأی تبیین می کند دیوان با تفسیر موسع حق آزادی دریافت اطلاعات به سمت شناسایی اصل آزادی در دسترسی به اطلاعات حرکت کرده است (ECHR, Társaság: 16).

۲.۲.۲. معاهده آمریکایی حقوق بشر

وضعیت حق دسترسی آزادانه به اطلاعات در حقوق بشر آمریکایی روشن تر است. ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به تفصیل بیشتری به حق آزادی بیان می پردازد. به موجب این ماده:

«۱. همه افراد دارای حق آزادی اطلاعات و آزادی بیان هستند. این حق به معنای آزادی جست و جو، دریافت، ابلاغ هر گونه ایده و یا اطلاعاتی به صورت شفاهی، کتبی، چاپ شده، به واسطه هنر و یا هر ابزار دیگری فارغ از مرزهای جغرافیایی است. ۲. اعمال حق فوق الذکر نمی تواند با سانسور محدود شود، اما می بایست توسط قانون و با تحمیل مسئولیت قانونی از رعایت موارد ذیل اطمینان حاصل شود:

الف) احترام به حقوق و آبروی دیگران و

ب) حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق و سلامت عمومی.

۳. حق بیان نایستی توسط روش های غیرمستقیم از جمله سوءاستفاده از کنترل دولتی و شخصی بر روزنامه ها، رادیو، و یا سایر وسایل پخش اطلاعات و یا هر روش دیگری در راستای ممانعت از پخش اطلاعات محدود شود.»

آزادی جست و جو و دریافت اطلاعات که در صدر ماده آمده است، از اهمیت زیادی برخوردار است. در بند ۲ ماده، ممنوعیت سانسور آمده است که بر اساس این ماده امکان قانونی جلوگیری از پخش اطلاعات و ممانعت از دسترسی آزادانه مردم به اطلاعات تنها در موارد استثنایی و خاص موجود است. همچنین، اعلامیه اصول آزادی بیان^۱ که از اسناد اساسی نظام بین آمریکایی حقوق بشر است در اصول ۳ و ۴ به تبیین حق دسترسی آزادانه به اطلاعات می پردازد. در اصل ۳ این اعلامیه آمده است «هر فرد حق دسترسی سریع به اطلاعات مربوط به خود و اموال خود را دارد» و می تواند این اطلاعات را تصحیح یا به روز کند. اصل ۴ این اعلامیه متضمن حق اساسی دسترسی افراد به اطلاعات دولتی است. بر اساس این اصل دولت ها وظیفه تأمین این حق را بر عهده دارند.

رویه دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر به روشنی مؤید به رسمیت شناختن این حق است. در سال ۲۰۰۶، در پرونده کلاد ریز که اتفاقاً در رابطه مستقیم با سرمایه گذاری خارجی رخ داد، دیوان آمریکایی

1. Declaration of Principles on Freedom of Expression in Africa

حقوق بشر حق دسترسی آزادانه به اطلاعات را به رسمیت شناخت. در این پرونده کمیته سرمایه‌گذاری خارجی دولت شیلی از افشای اطلاعات مربوط به یک پروژه سرمایه‌گذاری که به ادعای مؤسسات مردم‌نهاد می‌توانست بر محیط زیست تأثیر مخربی داشته باشد، سر باز زد. دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در استدلال خود به رابطه‌ی بین حق دریافت اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات اشاره کرد و بر آن مبنا به تعهد ایجابی دولت به در اختیار قرار دادن اطلاعات اذعان کرد. در سال ۱۹۹۱، کمیته سرمایه‌گذاری خارجی شیلی قرارداد سرمایه‌گذاری به مبلغ ۱۸۰ میلیون دلار برای طراحی، ساخت و اجرای یک پروژه امضا کرد. نگرانی‌های زیادی در مورد اثرات مخرب زیست‌محیطی این پروژه وجود داشت. چند سازمان غیردولتی از کمیته سرمایه‌گذاری درخواست فاش کردن محتوای قرارداد و همچنین دریافت اطلاعاتی در زمینه ماهیت سرمایه‌گذاری و نام سرمایه‌گذاران کردند. کمیته بعضی از اطلاعات را فاش کرد، اما از ارائه پاسخ کامل اجتناب کرد. پس از طرح دعوا در محاکم داخلی شیلی و عدم توفیق در دستیابی به اطلاعات موردنظر، سازمان‌های غیردولتی به نظام دادگاه آمریکایی حقوق بشر متوسل شدند. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر پس از بررسی مستندات نتیجه گرفت که دولت شیلی حق شهروندان بر آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات را نقض کرده و از این دولت درخواست کرد که هرچه سریع‌تر اطلاعات خواسته‌شده را در اختیار خواهان بگذارد. دولت شیلی به این درخواست بی‌توجهی کرد و بدین‌وسیله زمینه طرح دعوا در دیوان آمریکایی حقوق بشر را فراهم آورد. دیوان با اشاره به رویه سابق خود بر رابطه بین حق آزادی اطلاعات و دسترسی آزادانه به اطلاعات صحنه نهاد. دیوان نتیجه گرفت که دولت دارای تعهدی ایجابی بر فراهم کردن اطلاعات است. به‌زعم دیوان، حق شهروندان بر دریافت اطلاعات متضمن تعهد ایجابی دولت بر در اختیار قرار دادن اطلاعات است (IACHR, Claude: 163) مگر زمانی که محدودیت‌های مشروع وجود داشته باشد. دیوان در توضیح اعلام کرد که این حق مطلق نبوده و ممکن است محدود شود. البته محدودیت حق دسترسی آزادانه به اطلاعات تنها با وجود شرایط سختگیرانه‌ای ممکن است. ۱. این محدودیت‌ها بایستی توسط قانون مشخص شوند و هدف از آن تأمین مصالح عمومی باشد؛ ۲. این محدودیت‌های قانونی باید در راستای هدفی باشند که معاهده آمریکایی حقوق بشر آن را برتابد؛ ۳. این محدودیت‌ها باید در جامعه دموکراتیک لازم باشد. در توضیح دیوان اعلام می‌دارد که اگر برای نیل به مصلحت عمومی چند مسیر وجود داشته باشد، دولت بایستی مسیری را برگزیند که کمترین محدودیت در آزادی اطلاعات را ایجاد کند. به عبارت دیگر، دولت بایستی بین روش و هدف محدودیت تناسب برقرار کند (IACHR, Claude: 91) و این وظیفه دولت است که نشان دهد برای محدودیت شرایط مذکور را رعایت کرده است.

در نهایت دیوان با بررسی رابطه بین دسترسی به اطلاعات و حاکمیت دموکراتیک بر تعهد دولت بر افشای حداکثری تأکید و استدلال می‌کند که اصل بر قابلیت افشای اطلاعات است، مگر آنکه دولت با

اثبات شرایط ذکر شده در رأی خلاف آن را ثابت کند. متعاقب این پرونده، دفتر گزارشگر ویژه آزادی بیان کمیسیون حقوق بشر آمریکایی نیز در گزارش سال ۲۰۰۹ خود بر وجود این حق صحنه می‌گذارد و آن را از ماده ۱۳ کنوانسیون قابل استنباط می‌داند.

۳. شفافیت در داوری سرمایه‌گذاری

شفافیت در داوری تجاری بین‌المللی اهمیت چندانی ندارد یا حداقل به حق دسترسی آزادانه به اطلاعات مربوط نمی‌شود. اصل حاکمیت اراده محرمانگی دادرسی را در داوری تجاری بین‌المللی توجیه می‌کند. در حقیقت، محرمانگی یکی از دلایل بااهمیت ترجیح داوری تجاری بین‌المللی بر نظام دادگستری است. نبود شفافیت در داوری تجاری بین‌المللی اهمیت چندانی نداشته، زیرا دولت‌ها در این نوع داوری‌ها درگیر نبوده و در نتیجه حق دسترسی آزادانه شهروندان دولت به اطلاعات مربوط به دادرسی به‌عنوان حق بشری محلی از اعراب ندارد (Johnson et al., 2013). با وجود این، اگرچه انتشار آرای داوری تجاری ممکن است در تضاد با منافع شخصی طرفین دعوی باشد، نباید مزایای انتشار آرای داوری تجاری را در رشد نظام منحل‌وفصل اختلافات و ایجاد رویه دست‌کم گرفت (Karton, 2012). چه‌بسا انتشار کامل آرای داوری تجاری موجب کاهش تشنّت در رویه داوری تجاری بین‌المللی شود. در نتیجه، پیشنهادهایی در زمینه انجام اصلاحاتی بر میزان شفافیت در داوری تجاری بین‌المللی نیز مطرح شده است (Karton, 2012) که خارج از دامنه شمول و حوصله این مقاله است.

در مقابل، هنگامی که دولت‌ها در حل‌وفصل اختلافات حضور پیدا می‌کنند، اصل محرمانگی به‌دلیل لزوم شفافیت و حق دسترسی به اطلاعات در داوری سرمایه‌گذاری به چالش کشیده می‌شود. به موجب حق دسترسی به اطلاعات، دولت‌ها مکلف‌اند ضمن پاسخگویی به شهروندان، نسبت به تأمین دسترسی ایشان به اطلاعات اقدام کنند؛ مگر اینکه دلیل قانع‌کننده‌ای برای عدم ارائه دسترسی وجود داشته باشد (Banisar, 2011).

ایکسید به‌عنوان نهادی بین‌المللی که موجودیت آن مدیون یک معاهده بین‌المللی است (فلدرن، ۱۹۹۹: ۲۵)، امروزه تحت فشار زیادی برای اصلاح مقررات و قواعد خود در راستای شفافیت بیشتر قرار دارد. داوری سرمایه‌گذاری با دولت در معنای حاکمیتی آن درگیر است (Johnson et al., 2013) و در نتیجه با منافع عام^۱ گره خورده است. در حقیقت، ظهور هر نوع داوری سرمایه‌گذاری به معنای وجود ادعایی مبنی بر رخ دادن تخلفی از سوی دولتی دارای حاکمیت است. همچنین باید توجه کرد که داوری روش اصلی حل‌وفصل اختلاف در زمینه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی است و صرفاً یک راه‌حل جایگزین

به حساب نمی‌آید (Katranstiotis, 2013). البته در برخی موارد، بسیاری از اختلافات سرمایه‌گذاری از طریق مذاکره فی‌مابین دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی حل‌وفصل می‌شود و به داوری راه نمی‌یابد (Salacuse, 2007: 165). توضیح اینکه بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری طرفین را پیش از ارجاع اختلافات به داوری، ملزم به انجام مذاکرات دوستانه می‌کنند، با این حال به دلیل محرمانگی این مذاکرات، هیچ آمار دقیقی از اختلافاتی که به این نحو حل‌وفصل می‌شوند وجود ندارد (Elsaman, 2020: 396-397). با آنکه حل‌وفصل اختلافات از این طریق به صرفه‌جویی در زمان و هزینه طرفین منجر می‌شود، با این حال حق دسترسی عمومی به اطلاعات را خدشه‌دار می‌کند. این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته و می‌بایست موضوع قوانین کشورها قرار گیرد (Silva, 2016). همچنین مواردی وجود دارد که طرفین اختلافات سرمایه‌گذاری حتی پس از صدور رأی، به‌نحو دیگری اختلافات خود را حل‌وفصل می‌کنند.^۱ در چنین شرایطی حق شهروندان بر دسترسی به اطلاعات و طرح دعوا جهت حفظ منافع خود^۲ خدشه‌دار شده و چنانچه نحوه حل‌وفصل اختلافات در تعارض با منافع شهروندان باشد، امکان اعتراض به این تصمیمات از سوی ایشان وجود ندارد. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری خارجی یا در خصوص منابع طبیعی است یا ساخت تسهیلات مربوط به خدمات عمومی از جمله سد، جاده و نیروگاه و انجام خدمات عمومی از جمله تأمین برق، آب آشامیدنی و یا بهداشت موضوع قراردادهای سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد، عدم افشای اطلاعات مربوط به حل‌وفصل اختلافات در تضاد با منافع عمومی است. در سال‌های اخیر در پرونده‌های مختلف اعمال دولت که تأثیر بسزایی بر منافع عمومی ملت داشته است مورد دادرسی قرار گرفته‌اند. مباحثی از جمله دسترسی مردم به آب و سایر خدمات ضروری، حقوق محیط زیست، مقررات‌گذاری دولت‌ها در مورد تقسیم اراضی، ماهیگیری و حتی مقابله با بیماری جنون گاوی در داوری سرمایه‌گذاری مطرح شده‌اند.^۳ مضافاً، در دعوی سرمایه‌گذاری پای مبالغ کلانی در میان است که

1. The Settlement of Investment Disputes: A Discussion of Democratic Accountability and the Public Interest – Investment Treaty News, Available at: <https://www.iisd.org/itn/en/2017/03/13/the-settlement-of-investment-disputes-a-discussion-of-democraticaccountability-and-the-public-interest-lise-johnson-and-brooke-skartvedt-guven/> (Last visited Sep 02, 2021)
2. Public Interest Litigation

۳. این مسائل به دفعات در پرونده‌های مختلف مطرح شده‌اند. برای مثال:

Water: ICSID (2010), *Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S.A., and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*; Environment: Ad hoc Arbitration (2000), *S.D. Myers, Inc. v. Canada*; ICSID (2005), *Methanex Corp. v. United States*. Land Use: ICSID (2004), *MTD Equity Sdn. Bhd. and MTD Chile S.A. v. Chile*; ICSID (2005), *S.A. and Lucchetti Per S.A. v. Peru*. Zoning of Hazardous Waste: ICSID (2002), *United Mexican States v. Metalclad Corp.* Fisheries: ICSID (2007), *Sociedad Anónima Eduardo Vieira v. Chile*; Ad hoc Arbitration (2008), *Canadian Cattlemen for Fair Trade Claims v. United States*. See also Orellana, Marcos (2007), *Science, Risk and Uncertainty: Public Health Measures and Investment Disciplines, in The Centre for Studies*

پرداخت آن از طرف دولت می‌تواند تأثیر بسزایی بر منافع عام داشته باشد (PCA, Yukos). مهم‌تر از همه، نتایج حاصل از آرای صادره در دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل به رویه شده و در نهایت می‌تواند بخشی از حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را تشکیل دهد (Magraw, 2001: 356). در نتیجه، گفته شده است رسیدگی محرمانه در داوری سرمایه‌گذاری در تضاد با اصل حاکمیت قانون در جوامع دموکراتیک است (Weiler, 2004: 137). در داوری سرمایه‌گذاری، نبود شفافیت همچنین می‌تواند مانع شکل‌گیری نظام‌مند رویه سرمایه‌گذاری شود که به قطعیت و قابلیت پیش‌بینی آرای داوری کمک می‌کند (Franck, 2005: 1586).

با وجود تمام این مسائل، به‌علت قراردادی بودن ماهیت سازوکار داوری، در داوری سرمایه‌گذاری، اصل بر محرمانگی رسیدگی‌هاست. این اصل به‌خوبی در ماده ۴۸ معاهده ایکسید کرد یافته و این مرکز را از انتشار آرا بدون رضایت طرفین منع می‌کند. در نتیجه، با وجود امکان طرح مباحث حساس حاکمیتی در داوری سرمایه‌گذاری، رسانه‌ها ضرورتاً حق دسترسی آزادانه به تمامی اطلاعات مربوط به دعاوی داوری را ندارند.

ارائه تعریف مشخص و منجزی از شفافیت کار آسانی نیست (Zoellner, 2006). جولی موفین شفافیت در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را به سه سطح متفاوت تقسیم می‌کند (Maupin, 2013). سطح اول ناظر بر شفافیت کامل اسناد موجد حق و تکلیف در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری است. معاهدات چندجانبه موجود در حیطه سرمایه‌گذاری خارجی به‌صورت رایگان از طریق اینترنت قابل دسترسی‌اند. علاوه بر این، ۳۰۰۰ معاهده دوجانبه‌ای که تاکنون بین کشورهای مختلف مورد توافق قرار گرفته نیز به‌راحتی قابل دسترسی‌اند. این مسئله در مورد قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری در کشورهای میزبان نیز صدق می‌کند. تنها استثنا در زمینه اسناد موجد حق و تکلیف، قراردادهای سرمایه‌گذاری^۱ است که همچنان به‌صورت خصوصی و محرمانه بین دولت و سرمایه‌گذار منعقد می‌شود. در حال حاضر در نفتا و تا حد زیادی در داوری ایکسید نسبت به آرای صادره نیز شفافیت وجود دارد.^۲

سطح دوم جنبه‌های نیمه‌شفاف داوری سرمایه‌گذاری است. گاهی اوقات دسترسی به اطلاعات مورد نیاز دشوار است و یا استفاده از این اطلاعات به‌راحتی ممکن نیست. بخشی از اطلاعات در زمینه داوری سرمایه‌گذاری اگرچه موجودند، ولی دسترسی به آنها دشوار است. برای مثال در پرونده مربوط به اصلاحات اقتصادی آفریقای جنوبی، امکان دسترسی به معاهدات دوجانبه وجود نداشت (ICSID, Foresti: 27-29) و در نهایت دولت مجبور به افشای آن شد. از سوی دیگر، دسترسی به بخشی از

اطلاعات آسان است اما استفاده از آن به راحتی میسر نیست. برای مثال دست یافتن به اطلاعات در مورد متوسط زمان لازم در رسیدگی‌های ایکسید دشوار است اما غیرممکن نیست. متقاضی می‌تواند با استفاده از اطلاعات موجود در اینترنت و انجام محاسبات لازم به جواب درست دست یابد. اما اطلاعات فراوری شده از این دست توسط مراجع لازم در دسترس عموم قرار نمی‌گیرند.

نبود شفافیت یا سطح سوم می‌تواند به علت ماهیت محرمانه اطلاعات ردوبدل شده در داوری از جمله اسرار تجاری و اطلاعات حساس باشد یا به این علت که سازوکار لازم برای افشای آن پیش‌بینی نشده است. از جمله این اطلاعات دفاعیات طرفین یا محتوای جلسات شور داوران است. در حال حاضر، مؤسسات داوری در زمینه افشای این دست اطلاعات مقررات مشخصی ندارند.

۱.۳. میزان شفافیت در دیوان داوری ایکسید

میزان شفافیت در ایکسید به نسبت سایر نهادهای داوری که به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری می‌پردازند، مساعدتر است (Peterson & Gray, 2003: 34-35)، زیرا حداقل اطلاعات اولیه در مورد شروع و پایان دعوی داوری در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد.^۱ ماده (۵) ۴۸ کنوانسیون ایکسید دربرگیرنده اصل محرمانگی در داوری است. بر اساس این ماده «مرکز بدون رضایت طرفین آرا صادره را منتشر نمی‌کند». دیوان در داوری سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار انگلیسی و دولت تانزانیا اعلام کرد هیچ مقرره‌ای مبنی بر لزوم محرمانگی در داوری ایکسید وجود ندارد. همچنین مقرره‌ای در خصوص لزوم شفافیت نیز در کنوانسیون ایکسید وجود ندارد (ICSID, Biwater: 121). اولین بار در سال ۱۹۸۵ و در پرونده آمکو آسیا بحث محرمانه بودن آرای داوری ایکسید به طور جدی مطرح شد. در این پرونده سرمایه‌گذار خارجی قبل از صدور رأی صلاحیت دیوان، اطلاعاتی را در اختیار یک روزنامه هنگ‌کنگی قرار داد. در پاسخ، دولت اندونزی درخواست اقدامات تأمینی و بازداشتن سرمایه‌گذار از افشای پرونده کرد. در این قضیه دیوان ضمن پذیرش اصل محرمانگی در کنوانسیون ایکسید و قواعد داوری آن اذعان کرد که هیچ‌یک از مواد کنوانسیون و قواعد داوری ایکسید انتشار پرونده را برای طرفین ممنوع نمی‌کند (ICSID, Amco: 73). در داوری دیگری بین سرمایه‌گذار ایتالیایی و دولت آرژانتین دیوان ضمن تشویق شفافیت در سرمایه‌گذاری خارجی بر این موضوع تأکید کرد که افشای آرای سرمایه‌گذاری خارجی به شکل‌گیری رویه واحد و اعتماد بیشتر بازیگران حوزه سرمایه‌گذاری خارجی بر داوری سرمایه‌گذاری منجر می‌شود (ICSID, Abaclat). با وجود این همچنان سطح شفافیت دیوان پاسخگوی انتظارات موجود نیست.

۱. این مسئله به موجب قاعده ۲۲ مقررات اداری مالی ایکسید است که دبیرخانه را مجبور به انتشار ثبت تمامی دادخواست‌ها برای داوری و سازش می‌کند.

میزان شفافیت در داوری ایکسید به عوامل متنوعی از جمله توافق طرفین، معاهدات حاکم و تصمیم دیوان بستگی دارد.^۱ مهم‌ترین عامل در میزان شفافیت دیوان تراضی طرفین است. طرفین می‌توانند بر محرمانه نگاه‌داشتن بخشی از دادرسی یا اسناد ارائه‌شده توافق کنند.

تا پیش از سال ۲۰۰۶، قواعد دادرسی مصوب ۱۹۸۵ دیوان ایکسید از لحاظ میزان شفافیت شباهت بسیاری به داوری تجاری داشت. بر اساس ماده ۱۵ این قواعد جلسات شور به صورت خصوصی و محرمانه برگزار می‌شد. بر اساس ماده ۳۱، دیوان در صورت رضایت طرفین می‌توانست در مورد حضور اشخاص ثالث تصمیم‌گیری کند. بر اساس ماده ۳۷ دیوان اجازه انتشار صورت جلسه رسیدگی را بدون رضایت طرفین نداشت. با اصلاح این قواعد در سال ۲۰۰۶ شرایط به نفع شفافیت داوری‌ها، تغییر کرد. چالش موجود بین محرمانگی که از جمله ویژگی‌های اصلی سازوکار داوری محسوب می‌شود (Lalive, 1976) و شفافیت که به فراخور داوری سرمایه‌گذاری ضروری است در آخرین اصلاحات قواعد آیین دادرسی دیوان مورد توجه قرار گرفته است.^۲ اصلاحات سال ۲۰۰۶، در پاسخ به انتقادهای مطرح‌شده ایجاد شد و به طور خاص وضعیت شفافیت در قواعد داوری ایکسید را بهبود بخشید. ماده ۳۲ قواعد آیین دادرسی جدید دیوان برای اولین بار اجازه می‌دهد حتی در صورت مخالفت طرفین دعوا به اشخاص ثالث اجازه حضور در دیوان داده شود^۳ و در مقابل دیوان در این شرایط وظیفه محافظت از اطلاعات محرمانه طرفین را خود عهده‌دار می‌شود. در صورت وجود رضایت طرفین، دیوان جلسات دادرسی را برای حضور مردم آزاد اعلام می‌کند. طرفین همچنین ممکن است در مورد ضبط ویدئویی جلسات و یا دسترسی به جلسات از طریق ویدئوکنفرانس اینترنتی توافق کنند.^۴ در سال ۲۰۱۰ و در اقدامی بی‌سابقه، دیوان ایکسید برای اولین بار با ضبط ویدئویی و پخش مستقیم رسیدگی‌های شفایی خود موافقت کرد (ICSID, Cayman). در صورتی که طرفین در مورد میزان شفافیت به توافق نرسند، دیوان در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کند. البته ممکن است در این مورد معاهده سرمایه‌گذاری حاکم، قانون حاکم و یا قرارداد طرفین نیز مقرراتی را وضع کند که دیوان به آنها به‌عنوان سازوکار مورد توافق طرفین احترام خواهد گذاشت. البته این تغییرات در آیین دادرسی دیوان تنها پاسخگوی بخشی از خواسته‌های منتقدان بود. پیشنهاد اولیه برای اصلاح ماده ۳۲ که مورد پذیرش دیوان قرار نگرفت، متضمن اجازه علنی برگزار شدن دادرسی علی‌رغم مخالفت طرفین بود.

1. <https://icsid.worldbank.org/services/arbitration/convention/process/confidentiality-transparency>

۲. قواعد داوری ایکسید در سال ۲۰۰۶ بازبینی شد. برای دسترسی به قواعد جدید دیوان:

https://icsid.worldbank.org/ICSID/StaticFiles/basicdoc/CRR_English-final.pdf

۳. در سال ۲۰۰۱، برای اولین بار در پرونده Methanex، دیوان داوری موردی اجازه حضور شخص ثالث در دادرسی را صادر کرد.

4. http://www.ciel.org/wpcontent/uploads/2015/04/Webcasting_21Jun10.pdf

پرونده و تن فال شماره ۲ نمونه خوبی از تعارض موجود بین محرمانگی و دسترسی به اطلاعات در دیوان داوری ایکسید است. این پرونده مربوط به دستور دولت آلمان مبنی بر بسته شدن راکتورهای انرژی هسته‌ای آلمان و ادعای شرکت سوئدی مبنی بر مصادره سرمایه وی بود. حسب درخواست دولت آلمان، چهار دستور محرمانگی از سوی دیوان صادر شد و درخواست داوری شرکت سوئدی، استانداردهای حمایتی استنادشده به آن، غرامت وارد شده و ... همگی محرمانه باقی ماند (ICSID, Vattenfall II). این در حالی است که به موجب بخش سوم قانون آزاد اطلاعات آلمان ناظر بر این موضوع است که دولت مکلف است ضرورت عدم دسترسی به اطلاعات از سوی عموم را با وجود منافع عمومی توجیه کند.^۱ به موجب این قانون، افشای اطلاعات مربوط به روابط بین‌الملل دولت، نیروهای مسلح و امنیت عمومی به آسیب به منافع عمومی منجر می‌شود و نیابت افشا شود. در همین زمینه ماده ۳ (۱) کنوانسیون شورای اروپا محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات را برمی‌شمارد. طبق این ماده، دولت‌ها می‌توانند از افشا اطلاعات مربوط به منافع اقتصادی و تجاری سرباز زنند. با این حال بند ۲ همین ماده اعلام می‌کند چنانچه افشای اطلاعات در راستای منافع عمومی باشد، محدودیت‌های مزبور اعمال نمی‌شوند.^۲ همچنین در بخش نهم این کنوانسیون آمده است که با طرح دعوا می‌توان نسبت به اقدام دولت مبنی بر منع دسترسی افراد به اطلاعات شکایت کرد.

در مصر نیز وضعیت به همین منوال است. دولت مصر در پرونده‌ای در دیوان ایکسید مانع از افشای اطلاعات مربوط به غرامت پرداختی به شرکت سرمایه‌گذار خارجی شد (ICSID, ArcelorMittal). قانون منع طرح دعوا بر مبنای منافع عمومی مصر نیز از این رویکرد حمایت می‌کند.^۳ به موجب این قانون تنها کسانی که منفعت مستقیمی در قراردادهای منعقد از سوی دولت دارند می‌توانند نسبت به طرح دعوا در این خصوص اقدام کنند. به نظر می‌رسد ضروری است دولت مصر مقرراتی جدید در این خصوص وضع کند (Hazzaa & Kumpf, 2015: 147-149). با این حال، حتی در صورت وجود قوانین مرتبط، حق دسترسی شهروندان به اطلاعات لزوماً تأمین نشده و ضروری است سازوکار لازم جهت مقابله با اقدامات دولت‌ها در نقض حقوق شهروندان بر دسترسی به اطلاعات تنظیم و تعبیه شود.

مسئله دیگر در زمینه شفافیت انتشار آرای داوری است. دبیرخانه دیوان مرتباً اطلاعات مربوط به ثبت دادخواست داوری و یا سازش را منتشر می‌کند. دبیرخانه ملزم به اعلام و انتشار زمان ثبت نام طرفین، تاریخ وصول دادخواست و خلاصه‌ای از دعواست. از این نظر، قواعد داوری ایکسید به نسبت سایر مؤسسات داوری از جمله اتاق بازرگانی پاریس یا استکهلم و به طریق اولاً داوری موردی وضعیت بهتری

1. The German Freedom of Information Act (Informationsfreiheitsgesetz) 2006, Art. 3.

2. Council of Europe Convention on Access to Official Documents.

3. Law 32/2014.

دارد (OECD, 2005). کنوانسیون ایکسید انتشار آرا توسط دیوان بدون اجازه طرفین را ممنوع می‌کند. با وجود این پس از اصلاحات سال ۲۰۰۶، دیوان مجاب به انتشار حداقل بخشی از آرا که بیانگر نحوه استدلال دیوان است، می‌باشد.^۱ در سازوکار ایکسید آنچه میان داوران در مرحله شور و تصمیم‌گیری ردوبدل می‌شود بر اساس ماده ۱۵ قواعد همچنان محرمانه است و از این نظر تغییری ایجاد نشده است. همچنین همچون گذشته براساس قوانین جدید، پس از صدور رأی، هر یک از داوران و یا دیوان ایکسید، بدون اجازه طرفین دعوی، حق فاش کردن محتوای آرا را ندارد. قواعد مربوط به شفافیت در قواعد تسهیلات اضافی دیوان ایکسید عیناً مشابه آئین دادرسی دیوان است.

با این حال، پژوهش‌های کمی حاکی از آن است که پس از اصلاح قواعد ایکسید تلاش بیشتری برای محرمانه نگه داشتن دعاوی از سوی طرفین دعوا صورت پذیرفته است (Hafner et al., 2015). به این معنا که با وجود ایجاد تغییرات در قواعد دادرسی ایکسید در عمل افزایش معنادار و قابل توجهی در میزان شفافیت و دسترسی شهروندان اشخاص ثالث علی‌الخصوص شهروندان دولت میزبان ایجاد نشده است. در مورد دیوان ایکسید، افزایش شفافیت صرفاً از طریق اصلاح قواعد دادرسی و بدون دست بردن در معاهده ایکسید ممکن نیست، زیرا محرمانه بودن آرا در این سازوکار ریشه در معاهده ایکسید دارد.

۲.۳. شفافیت در قواعد داوری موردی آنستیرال

آنستیرال در سال ۲۰۱۳، قواعد خاصی را در زمینه شفافیت در دعاوی سرمایه‌گذاری به قواعد داوری خود ضمیمه کرد. البته این قواعد در تمامی پرونده‌های موردی به صورت خودکار اعمال نمی‌شود. این قواعد، حاکم بر دعاوی سرمایه‌گذاری بر مبنای معاهداتی است که پس از ۱ آوریل ۲۰۱۴ منعقد شده باشند. البته در مواردی که طرفین بر اعمال این قواعد توافق کنند، شرط زمانی مذکور اهمیتی ندارد. بر اساس بند ۳ ماده ۱ قواعد مذکور، الزامات پیش‌بینی شده ماهیتی امری دارند و طرفین نمی‌توانند با توافق از اجرای آن جلوگیری کنند. ماده ۳ این قواعد در مورد انتشار اسناد مربوط به داوری است. برخلاف مقررات داوری ایکسید، طرفین نمی‌توانند مانع از انتشار اسناد شوند. در نتیجه، تمامی لوایح ارسال شده توسط طرفین، اسناد گواهی شواهد، تصمیمات دیوان و آرا بایستی برای عموم منتشر شوند. بر اساس ماده ۶ این قواعد دادرسی‌ها علی‌الاصول عمومی است و طرفین نیز نمی‌توانند به واسطه توافق مانع از حضور عموم در جلسه دادرسی شوند. البته ماده ۷ استثنائاتی را بر این اصل کلی وارد می‌کند. بر اساس این ماده، دیوان داوری پس از مشورت با طرفین اقدامات لازم را جهت محافظت از اسناد محرمانه انجام خواهد داد. اسناد طبقه‌بندی شده و یا اسناد مربوط به اسرار تجاری طرفین از جمله اطلاعات محرمانه به حساب می‌آیند.

۱. قبل از سال ۲۰۰۶، دیوان در این مورد اختیار داشت.

همان‌طور که ملاحظه شد، با تصویب قواعد مربوط به شفافیت آنسیترال حتی شفافیت داوری‌های موردی که بر اساس این قواعد انجام می‌شود بیشتر از میزان شفافیت دیوان داوری ایکسید است. در جدول زیر قواعد داوری ایکسید و قواعد آنسیترال در زمینه شفافیت در داوری معاهده‌ای مقایسه شده‌اند.

قواعد	قواعد داوری ایکسید	قواعد آنسیترال در مورد شفافیت
افشای اطلاعات در مورد پرونده‌های جدید داوری	قواعد اداری ایکسید در ماده (۱) ۲۲ و (۲) ۲۳ دبیرخانه را مجاب می‌کند که اسامی طرفین، تاریخ ثبت خواسته و خلاصه‌ای از اختلاف را در وبسایت خود چاپ کند.	ماده ۲ طرفین را مجاب می‌کند که دبیرخانه را از شروع داوری مطلع سازد و دبیرخانه ملزم به افشای سریع اسامی طرفین، بخش اقتصادی مرتبط و معاهده مربوطه است.
دسترسی به اسناد و مدارک	ماده (۲) ۴۸ قواعد ایکسید دیوان را مجاب به افشای بخش‌هایی از رأی می‌کند که نشان‌دهنده استدلال دیوان است می‌کند. چاپ رأی کامل تنها با رضایت طرفین است. اگرچه قواعد در زمینه سایر اسناد نکته‌ای را ذکر نمی‌کند. علی‌الاصول رضایت طرفین شرط افشای مدارک است.	ماده ۳ دیوان را مجاب می‌کند که بعضی از اسناد، از جمله رأی داوری را در اختیار عموم قرار دهند. در مورد افشای سایر مدارک دیوان تصمیم‌گیرنده نهایی است. البته استثنائات ماده ۷ بایستی لحاظ شوند.
رسیدگی‌های عمومی	بر اساس ماده (۳) ۳۲، حضور شخص ثالث در دادرسی تنها زمانی ممکن است که هیچ‌کدام از طرفین مخالفتی نداشته باشد.	بر اساس ماده ۶ اصولاً (مگر در مواردی که بر اساس ماده ۷ استثنا اعمال شود) دادرسی‌ها عمومی است.

دهم دسامبر ۲۰۱۴ تاریخ بااهمیتی در تکامل داوری سرمایه‌گذاری است. در این روز، مجمع عمومی سازمان ملل معاهده مربوط به شفافیت در داوری معاهده‌ای بین دولت و سرمایه‌گذار، معروف به معاهده موریتیوس^۱ را پذیرفت. این تاریخ زمان رسمی پذیرش اهمیت شفافیت در داوری سرمایه‌گذاری است. هدف این معاهده مختصر که دارای ۱۰ ماده است یکسان کردن سطح شفافیت در انواع داوری سرمایه‌گذاری است. با توجه به اعمال قواعد آنسیترال تنها در زمینه معاهداتی که پس از ۱ آوریل ۲۰۱۴ امضا شده‌اند، پذیرش معاهده موریتیوس امکان اعمال قواعد شفافیت بر معاهدات منعقد شده پیش از سال ۲۰۱۴ را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، پذیرش این معاهده امکان تسری قواعد داوری آنسیترال در زمینه شفافیت را به

1. United Nations Convention on Transparency in Treaty-based Investor-State Arbitration (“Mauritius Convention”).

معاهدات پیش از سال ۲۰۱۴ میسر می‌کند. بر اساس ماده ۲ این معاهده، در صورتی که دولت میزبان و دولت تابع سرمایه‌گذار جزء دول متعاقد معاهده باشند، در صورتی که قواعد حاکم، قواعد آنسیترال باشد، معاهده بر داوری سرمایه‌گذاری بین آن دو اعمال خواهد شد. البته این در صورتی است که طرفین از سازوکار ماده ۳ برای ایجاد حق شرط بهره نبرده باشند.

در مقابل اگر طرفین قواعد داوری آنسیترال را برای حل و فصل اختلاف خود انتخاب نکرده باشند، در صورتی که دولت میزبان عضو معاهده بوده و خواهان نیز اعمال قواعد آنسیترال در زمینه شفافیت را بپذیرد، قواعد آنسیترال در زمینه شفافیت اعمال خواهند شد. این به معنای امکان تسری قواعد شفافیت آنسیترال به داوری سازمانی و یا داوری‌های موردی است که قواعد آنسیترال مورد پذیرش قرار نگرفته است. برای مثال ممکن است این قواعد به شرطی که دولت میزبان معاهده موریتیوس را تصویب کرده باشد در داوری ایکسید نیز اعمال شود. این شیوه بدیع از اصلاح سازوکار داوری سرمایه‌گذاری از طریق تصویب معاهده‌ای بین‌المللی که برای اولین بار آزمون شده است، در صورتی مفید فایده خواهد بود که معاهده مقبولیتی جهان‌شمول باید و تعداد زیادی از کشورها آن را تصویب کنند. ماده ۳ کنوانسیون به تفصیل به حق شرط می‌پردازد. بر اساس این ماده، دولت‌های متعاقد می‌توانند اعمال معاهده را بر بعضی از معاهدات سرمایه‌گذاری خود یا در مواردی که قواعد دادرسی غیر از قواعد آنسیترال برای داوری انتخاب شده است مستثنا کنند.

۴. نتیجه

به علت حضور دولت در یک سوی دعاوی سرمایه‌گذاری، داوری سرمایه‌گذاری وضعیت خاصی دارد. آرای صادره در این گونه داوری‌ها با منافع عام ملت‌ها پیوند دارد. در نتیجه، دسترسی به اطلاعات مربوط به این گونه داوری‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. گفتمان حقوق بشر در سال‌های اخیر به سمت پذیرش حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان حق بشری مایل شده است، به نحوی که دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر این مهم را به رسمیت شناخته‌اند. دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه خود حق دسترسی آزادانه به اطلاعات را به رسمیت شناخته است. دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز این حق را پذیرفته است. به نظر می‌رسد در حقوق بشر جهان‌شمول نیز بتوان امروزه به جرات از حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان حق بشری سخن گفت.

همان‌طور که گفتیم دیوان داوری ایکسید و کمیسیون حقوق تجارت سازمان ملل متحد قواعد خاصی را در زمینه شفافیت در داوری سرمایه‌گذاری تنظیم کرده‌اند. معاهده موریتیوس در زمینه شفافیت در داوری معاهده‌ای نیز، اگرچه هنوز قدرت اجرایی پیدا نکرده است، در صورت استقبال گسترده دولت‌ها می‌تواند تا حد زیادی کارایی و نفوذ قواعد آنسیترال را افزایش دهد و موجب بهبود وضعیت شفافیت در داوری سرمایه‌گذاری شود.

امروزه بی‌شک محرمانه بودن رسیدگی‌ها اصل قابل دفاعی در داوری سرمایه‌گذاری نیست. از این رو می‌توان گفت در داوری‌هایی که منافع عمومی در آن‌ها درگیر است، اصل محرمانگی می‌بایست تا حدی به نفع اصل شفافیت کنار گذاشته شود و این وظیفه دولت‌هاست که اطلاعات را که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به اطلاع ایشان برسانند. این مهم می‌تواند از طریق انتشار اسناد و مدارک، برگزاری علنی جلسات رسیدگی یا حتی امکان ارسال دفاعیه کتبی از سوی اشخاص ثالث ذی‌نفع صورت گیرد. در واقع توانایی دولت‌ها به‌عنوان یک طرف اصلی اختلافات سرمایه‌گذاری در متوسل شدن به قدرت برتر خود و نادیده گرفته شدن حقوق سرمایه‌گذار خارجی از جمله مسائلی است که اصل شفافیت در داوری‌های سرمایه‌گذاری را توجیه می‌کند. مسئله بااهمیت دیگر اصلاح این نظام پراکنده است. یک مسیر آزموده‌شده، اصلاح قواعد دادرسی توسط سازمان‌های داوری است.

آنستیرال نیز به تبعیت از ایکسید، قواعد دادرسی خود را به‌منظور افزایش شفافیت در دعاوی سرمایه‌گذاری اصلاح کرد. البته کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل صرفاً به تغییر قواعد دادرسی بسنده ن‌کرد. مسیر دیگری که اخیراً توسط آنستیرال مورد توجه قرار گرفته است، توافق بیرون سازمانی دولت‌ها از طریق انعقاد معاهده است. ارزیابی میزان موفقیت این سازوکار نیازمند گذر زمان است زیرا معاهده موریتوس که برای افزایش شفافیت در داوری سرمایه‌گذاری طراحی شده است کماکان اجرایی نشده است. این روش از اصلاح الگوی داوری سرمایه‌گذاری، یعنی استفاده از سازوکارهای حقوق بین‌الملل، پیش از این مورد آزمون قرار نگرفته است. اگر معاهده موریتوس مورد پذیرش جمع بزرگی از دولت‌ها قرار گیرد، این روش حتی ممکن است در آینده بر میزان شفافیت در داوری ایکسید نیز مؤثر افتد و چه‌بسا به فرض لازم‌الاجرا شدن این معاهده، قواعد آنستیرال در زمینه شفافیت ممکن است بر داوری ایکسید نیز اعمال شود. این روش حتی ممکن است به‌عنوان سازوکاری برای بازبینی قواعد ایکسید استفاده شود. به هر تقدیر صرف این مسئله که امروزه مسئله شفافیت و دسترسی به اطلاعات در زمینه داوری سرمایه‌گذاری طرح شده و مورد توجه قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده پیشرفت زیادی در گفتمان حقوق بشر است.

اصلاح معاهدات دوجانبه با درج قواعد و مقررات مربوط به شفافیت و محرمانگی، نیز می‌تواند منجر به حل تعارضات شود. توضیح اینکه طرفین می‌توانند در متن معاهدات خود بر لزوم برگزاری رسیدگی علنی یا محرمانه تأکید کنند، چراکه تنها انتخاب قانون حاکم نمی‌تواند در تعیین شفافیت یا محرمانگی راهگشا باشد؛ چه‌بسا که قانون مزبور این موضوع را پیش‌بینی نکرده باشد. بنابراین حرکت به سمت شفافیت بیشتر به امکان نظارت عمومی بر عملکرد داوران منجر می‌شود تا در صدور رأی دقت بیشتری داشته باشند. این امر علاوه بر اینکه جنبه آموزشی داشته، با اطمینان طرفین از عادلانه بودن رسیدگی، احتمال اجرای رأی را نیز افزایش می‌دهد.

با این حال، همواره باید توجه داشت که همچون سایر اصول، در مورد اصل شفافیت نیز استثنائاتی

وجود دارد. توضیح اینکه چنانچه افشای اطلاعات به مختل شدن کل فرایند داوری و یا تشدید اختلافات منجر شود و یا این اطلاعات حفاظت شده، و یا مغایر با منافع امنیتی دولت‌ها باشد، می‌بایست جانب محرمانگی رعایت شود.

به نظر می‌رسد که زمینه تحقیقاتی فراخی برای بررسی و مطالعه نقاط تلاقی حقوق بشر و حقوق سرمایه‌گذاری فراهم است. حقوق بشر که از قضا همچون حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در چند دهه گذشته شاهد رشد و تعالی زیادی بوده، در ادبیات معاصر مربوط به حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، بالأخص حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، حضوری پررنگ داشته و مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، هم سرمایه‌گذاران خارجی و هم دولت‌های میزبان از گفتمان حقوق بشر برای اثبات حقانیت خود در دعاوی سرمایه‌گذاری بهره‌جسته‌اند. در نتیجه، محاکم داوری سرمایه‌گذاری فرصتی مغتنم برای جست‌وجو در جایگاه هنجارهای حقوق بشری و نسبت آن با حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری یافته‌اند و رویه درخور توجهی را در این زمینه به وجود آورده‌اند. به تبع آن، در فضای دانشگاهی نیز پژوهش‌های مفصلی ارائه شده و نیز در حال انجام است. امید است که این مقاله چراغ راه سایر پژوهشگران برای انجام پژوهش در این حیطه شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. دالزر، رودلف و شروتر، کریستف (۲۰۰۸). *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*. ترجمه سید قاسم زمانی و به آذین حسینی، تهران: پژوهشکده حقوق شهر دانش.
۲. عسگری پوریا (۱۳۹۱). *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری سرمایه‌گذاری*. چ سوم، تهران: پژوهشکده حقوق شهردانش.
۳. فلدرن، هوهن و ایگناتس، زایدل (۱۹۹۹). *حقوق بین‌الملل اقتصادی*. ترجمه سید قاسم زمانی، تهران: پژوهشکده حقوق شهر دانش.

ب) مقالات

۴. محسنی، وجیهه؛ هاشمی، سیدمحمد؛ جاوید، محمدجواد و عباسی، بیژن (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت‌سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۶۲، ۳۲۱-۳۵۴.

A) Books

1. Bianchi, A., & Peters Anne (2013). *Transparency in International Law*. Cambridge, Cambridge University Press.
2. Bishop, C. A. (2011). *Access to Information as a Human Right*. Law & Society, Texas, Lfb Scholarly Publishing.
3. Weiler, T. (2004). *NAFTA Investment Law and Arbitration: Past Issues, Current Practice, Future Prospects*. New York, Transnational Publishers.

B) Articles

4. Ackerman, J. M. & Sandoval-Ballesteros, Irma E (2006). The Global Explosion of Freedom of Information Laws, *Administrative Law Review*, Vol. 58, No. 1, pp. 85-130.
5. Banisar, D. (2011). The Right to Information and Privacy: Balancing Rights and Managing Conflicts, *World Bank Institute Governance Working Paper*, No. 80740.
6. Elsamam, M. (2020). The Nexus of Access to Information, Good Governance, and Investment Negotiation. *Washington International Law Journal Association*, 29(2), 383-410.
7. Franck, S. D. (2005). The Legitimacy Crisis in Investment Treaty Arbitration: Privatizing Public International Law through Inconsistent Decisions. *Fordham Law Review*, 73(4), 1521-1625.
8. Hafner-Burton, E.M. & Steinert-Threlkeld, Zachary C. & Victor, David G. (2016). Predictability v. Flexibility: Secrecy in International Investment Arbitration, *World Politics*, 1-41.
9. Hazzaa, H. & Kumpf, S. N. (2015). Egypt's Ban on Public Interest Litigation in Government Contracts: A Case Study of Judicial Chill, *Stanford Journal of International Law*, 51(2), 147-171.
10. Hins, W. & Voorhoof, D. (2007). Access to State-Held Information as a Fundamental Right under the European Convention on Human Rights, *European Constitutional Law Review*, 3(1), 114-126.
11. Jain, A. (2012). Good Governance and Right to Information: A Perspective, *Journal of the Indian Law Institute*, 54(4), 506-519.
12. Johnson, L. & Bernasconi-Osterwalder, N., & Orellana Marcos, A., et al. (2013). New UNCITRAL Arbitration Rules on Transparency: Application, Content and Next Steps, *Investment Treaty News*, 4(4).
13. Karton, J. (2012). A Conflict of Interests: Seeking a Way Forward on Publication of International Arbitral Awards. *Journal of Arbitration International*, 28(3), 447-486.
14. Lalive, P.A. (1976). Problemes Relatifs A de L'a Arbitrage International Commercial. in *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, 120, 573-582.
15. Levin, P.T. (2009). The Swedish Model of Public Administration: Separation of Powers – The Swedish Style, *Journal of Administration and Governance*, 4(1), 31-46.
16. Magraw Jr. Daniel et al. (2009). Transparency and Public Participation in Investor-State Arbitration, *ILSA Journal of International and Comparative Law*, 15, 337-360.
17. Maupin, J. A. (2013). Transparency in International Investment Law: The Good, the Bad, and the Murky, Published in '*Transparency in International Law*' by Andrea Bianchi and Anne Peters, eds, Cambridge University Press, 142-171.

18. Orellana, M. (2007). Science, Risk and Uncertainty: Public Health Measures and Investment Disciplines. in “*The Centre for Studies and Research in International Law and International Relations*”.
19. Peterson, L., & Gray, K. (2003). International Human Rights in Bilateral Investment Treaties and in Investment Treaty Arbitration, *International Law Institute for Sustainable Development*, 18(77).
20. Salacuse, J.W. (2007). Is There a Better Way? Alternative Methods of Treaty-Based, Investor-State Dispute Resolution. *Fordham International Law Journal*, 13(1), p. 138.
21. Vleugels, R. (2011). Overview of all FOI Laws. *Fringe Special Biweekly Journal*.
22. Vollenhoven, J. (2015). The Right to Freedom of Expression: The Mother of our Democracy, *Electronic Law Journal*, 18(6), 2299-2327.
23. Zoellner, C. S. (2006). Transparency: An Analysis of an Evolving Fundamental Principle in International Economic Law. *Michigan Journal of International Law*, 27(2), 579-628.

C) Thesis

24. Katranstiotis Dimitrios (2013). Transparency in International Investment Arbitration: From the Current towards the Future Normative Framework, *LLM. Dissertation*, International Hellenic University.

D) Awards

25. Ad hoc Arbitration (2000), S.D. Myers, Inc. v. Canada, UNCITRAL, First Partial Award.
26. Ad hoc Arbitration (2008), Canadian Cattlemen for Fair Trade Claims v. United States, Award on Jurisdiction.
27. ECHR (1987), Leander v. Sweden, App. no 9248/81.
28. ECHR (1989), Gaskin v. The United Kingdom, App. no. 10454/83
29. ECHR (1998), Guerra v. Italy, App. No. 14967/89.
30. ECHR (2004), Case of Oneryildiz v. Turkey, App. No. 48939/99.
31. ECHR (2008), Budayeva and Others v. Russia, App. No. 15339/02.
32. ECHR (2009), Társaság a Szabadságjogokért v. Hungary, App. No. 37374/05.
33. ECHR (2009), Tatar v. Romania, App. No. 67021/01.
34. IACHR (2006), Claude Reyes et. al. v. Chile, No. 12.108.
35. ICSID (1992), Abaclat and Others v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/07/5, Procedural Order No. 3.
36. ICSID (1992), AMCO Asia Corp. et al. v. The Republic of Indonesia, ICSID Case No. ARB/81/1, Award.
37. ICSID (2002), United Mexican States v. Metalclad Corp., Reasons for Judgment, and Supplementary Reasons for Judgment, ICSID Case No. ARB (AF)/97/1.
38. ICSID (2004), MTD Equity Sdn. Bhd. and MTD Chile S.A. v. Chile, ICSID Case No. ARB/01/7.
39. ICSID (2005), Methanex Corp. v. United States, Final Award.
40. ICSID (2005), S.A. and Lucchetti Per S.A. v. Peru, ICSID Case No. ARB/03/4.
41. ICSID (2006). Biwater Gauff Limited v. United Republic of Tanzania, ICSID Case No. ARB/05/22, Procedural Order No. 3.
42. ICSID (2007), Sociedad Anónima Eduardo Vieira v. Chile, ICSID Case No. ARB/04/7,

Award.

43. ICSID (2010), Case of Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S.A., and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/03/19, Decision on Liability.
44. ICSID (2010), Foresti and Others v. The Republic of South Africa, ICSID Case No. ARB (AF)/07/01, Award.
45. ICSID (2010), Pac Rim Cayman LLC v. Republic of El Salvador, ICSID Case No. ARB/09/12
46. ICSID (2012), Vattenfall AB et al. v. Federal Republic of Germany, ICSID Case No. ARB/12/12.
47. ICSID (2015), ArcelorMittal S.A. v. Arab Republic of Egypt, ICSID Case No. ARB/15/47.
48. PCA (2005), Yukos Universal Limited v. The Russian Federation, PCA Case No. 2005-04/AA227.

D) Documents

49. Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters (the "Aarhus Convention"), Denmark, 1998.
50. Council of Europe Convention on Access to Official Documents, Tromsø, 2009.
51. Declaration of Principles on Freedom of Expression in Africa, African Commission on Human and Peoples' Rights, 32nd Session, Gambia, 2002.
52. General Comment No. 34 on International Covenant on Civil and Political Rights, Human Rights Committee, CCPR/C/GC/34, Geneva, 2011.
53. Law 32/2014, Egypt, 2014.
54. The German Freedom of Information Act (Informationsfreiheitsgesetz), Germany, 2006.
55. Transparency and Third-Party Participation in Investor State Dispute Settlement Procedures, Statement, OECD Investment Committee, Number 2005/1, France, 2005.
56. United Nations Convention on Transparency in Treaty-based Investor-State Arbitration (the "Mauritius Convention on Transparency"), New York, 2014.

E) Websites

57. Harm and Public Interest Test, last accessed at 2023/01/22. Available at: <https://www.right2info.org/exceptions-toaccess/harm-and-publicinterest-test>
58. Settlement Negotiations and Public Disclosure Laws, *Legal Intelligencer*, last accessed at 2023/01/22. Available at: <https://www.law.com/thelegalintelligencer/almID/1202763357348/>
59. The Settlement of Investment Disputes: A Discussion of Democratic Accountability and the Public Interest – Investment Treaty News, last accessed at 2023/01/22. Available at: <https://www.iisd.org/itn/en/2017/03/13/the-settlement-of-investment-disputes-a-discussion-of-democratic-accountability-and-the-public-interest-lise-johnson-and-brooke-skartvedt-guven/>
60. Webcasting as a tool to Increase Transparency in Dispute Settlement Procedures, Center for International Environmental Law, Available at: https://www.ciel.org/wp-content/uploads/2015/04/Webcasting_21Jun10.pdf